



انگار لال شده بودم

یک مردم‌نگاری از کودکان کارگر افغانستانی در تهران

سپیده سالاروند

فهرست مطالب

- | | |
|-----|---------------------|
| ۷ | یادداشت دبیر مجموعه |
| ۱۷ | سیاسگزاری |
| ۲۱ | پیش درآمد |
| ۳۹ | خانه کودک ناصر خسرو |
| ۶۲ | گود زباله |
| ۹۹ | مسیر |
| ۱۱۲ | نام |
| ۱۲۶ | فوتبال: زبان مشترک |
| ۱۳۶ | سیاست |
| ۱۵۷ | بهریستی |
| ۱۸۱ | آرزو |
| ۱۹۳ | سخن آخر |
| ۲۰۳ | ضمائم |
| ۲۲۲ | منابع |

خانه کودک ناصر خسرو^۱

بهار ۱۳۹۳ برای اولین بار پایم به یکی از سمن‌های مربوط به حقوق کودک بار شد یک سالی از تمام شدن دوره کارشناسی‌ام می‌گذشت چند ماهی در شرکتی تبلیغاتی کار کرده بودم و بالاخره پذیرفته بودم که حایم آن‌جا بیست و استعفا داده بودم و از سر بیچارگی همراه رفیقم شدم که در مدرسه‌ای به بچه‌ها درس می‌داد. در سال‌های دوستی‌مان کم و بیش از این مدرسه شنیده بودم و گهگاه در هزینه‌های مدرسه و ثبت‌نام بچه‌های افعاستانی در مدارس دولتی کمکی هم کرده بودم به او حسودی‌ام می‌شد که معلم بچه‌ها بود اما همیشه فکر می‌کردم برای همراه شدن با کودکان کار آمادگی ندارم می‌ترسیدم نادانی من در کار با کودک - و به خصوص کودک کار - به‌حای کمک‌کردن به مجموعه به بچه‌ها آسیب نبرد آن موقع از به‌رمان آوردن این حس‌حالت می‌کشیدم حالا خیلی خوب می‌دانم که این ترس، ترسی بسیار شایع است و فکر می‌کنم گاهی ضروری هم هست

۱ برای مطالعه خلاصه‌ای از خدمات و مخاطبین خانه کودک ناصر خسرو به پیوست دو نگاه کنید

رور اولی که به خانه کودک ناصر خسرو رفتم به در مورد بچه‌ها اطلاعات دقیقی داشتم و به سمن‌ها و پشت صحنه‌شان را می‌شناختم حتی نمی‌دانستم که این خانه کودک بحش احزابی انحصار حمایت از حقوق کودکان است در ده‌ها من، مثل بسیاری از مردم، کودک کار کسی بود که سر چهارراه‌ها فال و دستمال‌کاعدی می‌فروخت هیچ‌وقت به ملیت این بچه‌ها فکر نکرده بودم می‌دانستم افراد بسیاری از افغانستان به ایران مهاجرت کرده‌اند، شنیده بودم کسانی که آن‌ها پریشک و ارتشی بودند اینجا محصور شده‌اند کارهای یدی کنند فکر می‌کردم در سال‌های اخیر و با تمام شدن جنگ بیشتر این افراد به وطن‌شان بازگشته‌اند و حالا مردان افغانستانی برای کار به ایران مهاجرت می‌کنند آن‌ها را نمی‌دانستم فقط مردان نیستند که به تنهایی برای کار مهاجرت می‌کنند بلکه همراه آنان پسر بچه‌هایی بپر برای کار روانه ایران می‌شوند و از خانه و خانواده جدا می‌شوند ساده‌دلانه فکر می‌کردم همه بچه‌هایی که شاگرد سوپرمارکت‌ها هستند با خانواده‌شان زندگی می‌کنند و با کار در معاره‌ها به حرجی خانواده کمک می‌کنند

اولین شاگردانم در خانه کودک ناصر خسرو کسانی بودند که می‌خواستند در تاستان کلاس ششم را بخوانند تا نتوانند به مدرسه دولتی بروند این بچه‌ها افغانستانی بودند اما مدرک (پاسپورت یا کارت اقامت) داشتند، یا امید داشتند که به رودی مدرک بگیرند سناشان ارس مدرسه بیش‌تر بود و محور بودند سالی دو کلاس را به شکل فشرده بخوانند از پیح شاگردم سه نفرشان دختر بودند و دو تا پسر دخترها بیرون از خانه کار نمی‌کردند و کار پسرها معطوف بود و می‌توانستند بعد از مدرسه سر کار بروند عین‌الدین در پاساژی با پدرش زندگی می‌کرد و نطافت

پاساژ برعهده آنها بود و حاوید در کیف‌دوری (سَرّاحی) کار می‌کرد، بعد از چند جلسه هم رور کارش بر درس چربید و دیگر سر کلاس بیامد عین‌الدین هم آن سال درگیر چرخه بی‌پایان بروکراسی شد و نتوانست مدرکش را بگیرد و به مدرسه برود

در سال ۹۳ هبور حکم رهبری^۱ بیامده بود و بچه‌های بدون مدرک افغانستانی را در مدارس دولتی ثبت‌نام نمی‌کردند و برای ثبت نام بچه‌هایی که مدرک داشتند هم ممالی دریافت می‌کردند (حداقل ۱۲۰ هزار تومان برای ابتدایی) که پرداختش برای خانواده‌هایی از طبقه پایین نا چند بچه در س مدرسه سخت بود و خانواده‌ها تحصیل در سمن‌ها را، که محالی بود و تسهیلات دیگری هم داشت، ترجیح می‌دادند در نتیجه سمن‌ها سوادآموری این بچه‌ها را برعهده گرفته بودند. خانه کودک ناصر خسرو آن‌ها دو شیفت درسی داشت، شیفت اول، که به شیفت بچه‌های کار معروف بود، از ساعت ۷:۳۰ تا ۹:۳۰ برگزار می‌شد و شیفت دوم بچه‌هایی بودند که صرفاً به دلیل افغانستانی بودن جایی در مدارس دولتی نداشتند و از ۹:۳۰ تا ۱۲:۳۰ سر کلاس می‌آمدند بعد از آن تاستان، من معلم اجتماعی بچه‌های کلاس سوم شیفت دوم شدم ما معمولاً پس از پایان شیفت اول به مدرسه می‌رفتیم و بچه‌های شیفت اول را نمی‌شناختیم اما حضور

۱ مقام معظم رهبری در اردیبهشت ۱۳۹۴ دستوری صادر کردند که در آن صراحتاً بیان شده بود «هیچ کودک افغانستانی، حتی مهاجری که به صورت غیرقانونی و بی‌مدرک در ایران حضور دارند، نباید از تحصیل بازماند و همه آنها باید در مدارس ایرانی ثبت‌نام شوند» با استناد به این دستور مدارس موظف به ثبت‌نام کودکان افغانستانی شدند همچنین مقرر شد شهریه‌ای که به صورت قانونی از اتباع گرفته می‌شد لغو شود حبرگزاری مشرق، «دستور رهبر انقلاب درباره دانش‌آموزان افغانستانی»، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۴، www.mashregnews.ir